

عصمت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از دیدگاه آیات و روایات

ریحانه لطیفی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته فقه و اصول، مدرّس، پژوهشگر و معاون پژوهش مرکز تخصصی زینب کبری (س)، شهر تُنکابن

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

عصمت منحصر به پیغمبران و امامان معصوم نیست. معصومان به خاطر تاییدات الهی و اعمال پاک خویش چنان هستند که در عین داشتن قدرت و اختیار برای گناه کردن به سراغ گناه نمی روند با اینکه نه اجباری در این کار است و نه اکراهی. این حالتی است که از درون وجود آنها بر اثر آگاهی ها و مبادی فطری و طبیعی می جوشد، بی آن که جبر و اجباری در کار باشد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) به خاطر اراده تکوینی الهی، وراثت، تربیت، رشد و پرورش تقوی، علم و معنویت دارای مقام عصمت است. پژوهش حاضر با هدف اثبات عصمت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با مراجعه به آیات و روایات انجام شده تا یکی از بارزترین ویژگی های ایشان به مخاطبین شناسانده شود. زیرا این بانوی بزرگ اسلام الگوی تمام زنان از اولین تا آخرین و محور عفو و رحمت الهی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی به بیان مطالب پرداخته و روش آن اسناد و مدارکی با مراجعه به منابع کتابخانه ای دست اول (آیات و روایات) و همچنین استفاده از نرم افزارها و سایت های معتبر دینی می باشد. از بررسی محورهای یاد شده این نتیجه حاصل شد: آیه تطهیر دلالت بر نفی هرگونه رجس و پلیدی بخصوص رجس معنوی و غیرمادی مانند شرک، کفر و گناه از اهل بیت (علیهم السلام) و از جمله حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دارد همچنین (طَهْرَكِ) در آیه ۴۲ سوره آل عمران نیز این مقام را اثبات می کند عصمت خاتمیت در روایت (فَاطِمَةُ بَعْضَةُ مِنِّي) دیده می شود و در روایت فاطمه صدیقه است نمی شود به مقام صدیقین جز با عصمت رسید.

واژه های کلیدی: عصمت، حضرت زهرا (س)، آیات، روایات

مقدمه

فاطمه، بانویی است چون مریم، پاک و مطهر - دارای ارتقای روحی و معنوی؛ چون بلقیس، با علم و درایت؛ چون زنان معاصر با حضرت موسی، حاضر در تمام لحظات حساس و سرنوشت‌ساز؛ چون هاجر، صبور و با استقامت. فاطمه، نه تنها، تمامی اینها را در خود، جمع داشت بلکه خود، حقیقت حُسن و تجسم عینی آن بود و از این بالاتر، او بهترین اهل زمین بود. و از این نیز فراتر، او محور هستی و انگیزه خلقت عالم، اعم از آسمان و زمین و جن بود (علایی رحمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸).

از این رو در روایت شریف می فرماید:

«يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٍّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةَ لَمَا خَلَقْتُكُمْ؛

هان ای احمد! اگر تو نبود، جهان را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را، و اگر فاطمه نبود، من شما دو نفر را نمی آفریدم».

فاطمه زهرا (س) محبوب ترین مردم نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و پیامبر اکرم (ص) وی را بر بقیه دختران و نیز بر زنان خویش برتری می دادند. خداوند قبل از ولادت فاطمه (علیها السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر داد که شکم خدیجه ظرف امامت است. پیامبر به مناسبتی به فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود:

«إِنَّ بَطْنَ أُمَّكَ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وَعَاءً، (بحار الأنوار، ج ۴۳)؛

یعنی شکم مادر تو ظرف امامت بود».

به علاوه اینکه این بانو مدافع و حامی حقوق شوهر خود بود. در رفتار و گفتار شگفت و رمزآلود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در باره فاطمه زهرا (علیها السلام) پیام مهمی برای مسلمانان و جامعه بشری نهفته است. آن پیام عبارت است از اعلام بالاترین تقدس برای فاطمه (علیها السلام) و معیار قرار دادن آن حضرت در سنجش ایمان قلبی و دینداری مسلمانان. قرآن با تعبیر شگفت «نسائنا» (زنان ما) از فاطمه زهرا (علیها السلام) در آیه مباحله بیان می کند که فاطمه (علیها السلام) تجلی اوصاف نیک زنان بهشتی بوده، تقدس همه آنها در او جمع است.

سخن گفتن از این بانو، به نحوی سخن گفتن از زن است و اعتراف به شخصیت و احترام زن و حفظ کرامت او در اسلام. بدون تردید هر گام در شناخت فاطمه زهرا (علیها السلام) گام ما را در تبعیت و الگوپذیری از آن بانوی مقدس استوارتر می سازد و خدمتی به اسلام و فاطمه زهرا (علیها السلام) می باشد که مزد آن تسهیل و تسریع در عبور از پل صراط است. (قزوینی، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

بر اساس آنچه گفته شد محقق در صدد بررسی عصمت این بانوی بزرگ جهان اسلام - کسی که اولین و آخرین در قیامت برای او سر تعظیم فرود می آورند - با توجه به آیات و روایات می باشد.

۱. مفهوم شناسی عصمت، مراتب و درجات آن

عالمان لغت دان و زبان شناس، عصمت را اسم مصدر از ریشه (عصم) به معنای امساک، نگه داشتن از چیزی که زیان می رساند تعریف کرده اند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ص ۵۶۹). إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً از این رو گاه به وسیله ای که سبب نگهداری انسان از فرو افتادن و به هلاکت رسیدن باشد (عصام) گفته می شود.

در اصطلاح علم کلام (عصمت) پدیداری حالتی توانمند در انسان است که وی را از انجام کار گناه آلود، خطا و اشتباه باز می دارد، همچنین برخی از دانشمندان به لطف الهی، عدم آفرینش گناه، توانایی بر اطاعت و ملکه نفسانی معنا کرده اند این کلمه ریشه قرآنی و روائی دارد همچنین از کلید واژه های ریشه دار در ادبیات بیانی و فرهنگ دینی مسلمانان به شمار می رود. این واژه با دیگر هم ریشه های اسمی وصفی خود ۱۳ بار در آیات قرآن به کار رفته است (عبداللہی و بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۸).

عصمت ائمه (علیهم السلام) از ضروریات مذهب شیعه به حساب می آید؛ بنابراین، نمی تواند چنین مطلبی به پیشنهاد یک فرد عادی وارد افکار و عقائد شیعیان شده باشد. در میان دانشمندان علم کلام اسلامی بحث عصمت در سه سطح مطرح می گردد:

۱-۱. سطح اول: عصمت به معنای بازدارندگی از اشتباه در ابلاغ رسالت

در این زمینه دانشمندان علم کلام اعم از اهل تشیع و اهل تسنن، معنای یاد شده را در مورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) تأیید می کنند.

۱-۲. سطح دوم: عصمت به معنای بازدارندگی از گناه و معصیت

در این زمینه عموم علمای علم کلام شیعه معتقد به عصمت پیامبران و امامان و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هستند.

۱-۳. سطح سوم: عصمت به معنای بازدارندگی از هرگونه لغزش و اشتباه

در این زمینه اکثریت دانشمندان کلامی شیعه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و دخترش فاطمه زهرا و ائمه شیعیان را در این مرتبه قرار می دهند از این رو به آنان «معصوم» گفته می شود. عصمت منحصر به پیغمبران و امامان معصوم نیست البته هر پیامبر و امامی معصوم است ولی هر معصومی پیامبر و امام نیست، زیرا ملکه عصمت، در حد خود مانند سایر کمالات وجودی درجات دارد و مقول به تشکیک و شدت و ضعف است (دیانتی پور و نعمتی، ۱۳۸۹، ص ۸۷-۸۸).

۲. عصمت حضرت فاطمه با محوریت آیات

۱-۲. آیه تطهیر

آیه تطهیر، آیه اولی الامر و... از آیاتی است که صراحتاً عصمت ائمه علیهم السلام را ثابت می‌کند. از مهم ترین آیاتی که بر اساس آن می‌توان عصمت اهل بیت (علیهم السلام) و از جمله حضرت زهرا (س) را با این آیه اثبات کرد:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، (الأحزاب: ۳۳)؛

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

۱-۱-۲ توضیح اسلوب آیه طهارت

حرف تأکید (إنما) بیان اراده الهی، ساختار افعال به صورت فعل مضارع که استمرار را می‌رساند، (أل) در کلمه رجس که مبین اطلاق است و بالاخره مفعول مطلق (تطهیراً) که خود از ادوات تأکید است همگی دلالت بر اراده الهی بر نفی هرگونه رجس و پلیدی آن هم رجس معنوی و غیرمادی مانند شرک، کفر و گناه دارد (معارف، ۱۳۸۷، ص ۴۲).

جمله (یُریدُ) اشاره به اراده تکوینی پروردگار دارد و گرنه اراده تشریحی و به تعبیر دیگر لزوم پاک نگهداشتن خویش، انحصاری به خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ندارد و همه مردم بدون استثنا به حکم شرع موظف اند از هرگونه گناه و پلیدی پاک باشند. معصومان به خاطر تأییدات الهی و اعمال پاک خویش چنان هستند که در عین داشتن قدرت و اختیار برای گناه کردن به سراغ گناه نمی‌روند؛ درست همان گونه که هیچ فرد عاقلی حاضر نیست قطعه آتشی را بر دهان خویش بگذارد با اینکه نه اجباری در این کار است و نه اکراهی. این حالتی است که از درون وجود خود انسان بر اثر آگاهی‌ها و مبادی فطری و طبیعی می‌جوشد، بی آن که جبر و اجباری در کار باشد و باتوجه به اینکه اراده الهی تخلف ناپذیر است و جمله (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ) دلیل بر اراده حتمی او می‌باشد؛ مخصوصاً با توجه به کلمه (إنما) که برای حصر و تأکید است. روشن می‌شود اراده قطعی خداوند بر این قرار گرفته که اهل بیت از هرگونه رجس و پلیدی و گناه پاک باشند و این همان مقام عصمت است، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۵-۳۲۰).

۲-۱-۲ آیه طهارت در باره چه کسانی؟

این آیه گرچه در لابه لای آیات مربوط به همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده اما تغییر سیاق آن (تبدیل ضمیرهای جمع مؤنث به جمع مذکر) دلیل براین است که این آیه محتوایی جدای از آن آیات دارد. برخی معنای وسیعی برای آیه قائلند؛ یعنی آیه هم پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را شامل می شود و هم همسران پیامبر را، ولی روایات فراوانی در دست است که نشان می دهد این آیه مخصوص اصحاب کساء است از جمله:

الف: روایاتی که از خود همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده و می گوید:

هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن از این آیه شریفه کرد، ما از او سؤال کردیم که جزء آن هستیم فرمود: شما خوبید اما مشمول این آیه نیستید.

ب: روایات بسیار فراوانی در مورد حدیث کساء

ج: روایات فراوانی که بعد از نزول آیه تطهیر پیامبر مدت شش ماه هنگامی که برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه می گذشت صدا می زد:

«الصلوة یا اهل البيت! إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيرا».

این نکته قابل توجه است که تکرار این مسأله در مدت شش یا هشت یا نه ماه به طور مداوم در کنار خانه فاطمه (سلام الله علیها) برای این است که: مطلب را کاملا مشخص کند تا در آینده تردیدی برای هیچ کس باقی نماند که این آیه، تنها در شأن این گروه نازل شده است؛ بخصوص این که تنها خانه ای که درب ورودی آن در مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) باز می شد، بعد از آن که دستور داد درهای خانه های دیگران به سوی مسجد بسته شود، درب خانه فاطمه بود.

د: روایات متعددی از ابوسعید خدری صحابی معروف نقل شده که با صراحت گواهی می دهد: این آیه تنها درباره همان پنج تن نازل شده است. همچنین از پیامبر (ص) در مورد آیه تطهیر پرسیده شد ایشان فرمودند:

این آیه درباره من و برادرم علی و دخترم فاطمه و دو پسر و جانشینان آنها یکی پس از دیگری نازل شده است که فرزندان من و فرزندان برادرم هستند، ای سلمان آیا می دانید (رجس) چیست؟ سلمان عرض کرد: نه. فرمود: شک است آنان هرگز در باره چیزی که از جانب خدا آمده باشد شک نمی کنند. ما در ولادتمان و طینتمان تا حضرت آدم پاک هستیم و از هر بدی پاک و معصوم هستیم (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۶۵).

همچنین در انتهای سوره واقعه می فرماید:

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»

هیچ کس به قرآن مس وجودی پیدا نمی کند، مگر مطهرون».

با توجه به این آیه تنها اهل بیت مس وجودی کتاب مکنون را دارند و این هم فضیلتی بزرگ برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) است. امام علی (علیه السلام) با استناد به آیه تطهیر عصمت و طهارت زهرا را یادآوری می کنند:

وقتی خلیفه اول با حضرت زهرا (سلام الله علیها) به منازعه برخاست و فدک را که در اختیار آن حضرت بود مصادره کرد و دعوی آن حضرت را نشنید و شاهدانش را قبول نکرد؛ امام علی (علیه السلام) خطاب به وی گفت: اگر کسی ادعا کند که-نعوذ بالله- فاطمه زهرا مرتکب منکر شده است و برای ادعای خود، شاهدانی هم بیاورد و تو او را تصدیق کنی کتاب خدا را تکذیب کرده ای؛ زیرا آیه تطهیر شهادت خدا بر طهارت زهرا (سلام الله علیها) است (علایی رحمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱-۱۵۲).

ازمجموع آنچه گفتیم: چنین نتیجه می گیریم که منابع و راویان احادیثی که دلالت بر انحصار آیه به پنج تن می کند به قدری زیاد است که جای تردید در آن باقی نمی گذارد و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بین مقام وحی اعظم و مقام تبلیغ وحی و مقام تفسیر وحی جنبه مرکزیت دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵-۳۲۱).

۲-۲. آیه ۴۲ سوره آل عمران

حضرت زهرا (علیها السلام) برترین زنان از نخستین و آخرین آنان می باشد. اما از جمله زنان کامل، همانا مریم صدیقه (علیها السلام) مادر حضرت عیسی (ع) است. حضرت مریم از نردبان کمال صعود نمود و خدای تعالی او را برگزید و پاک نمود، تا آنجا که بواسطه وحی او را مورد خطاب قرار داد (سودانی و موسوی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲)؛ چنان که قرآن کریم در این مورد می فرماید:

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، (آل عمران (۳): ۴۲)»

یاد کن زمانی را که ملائکه گفتند ای مریم محققا خداوند تو را برگزید و پاک گردانید و برگزید بر جمیع زنان عالمین».

۱-۲-۲. توضیح آیه

يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ

برگزیده خدا کسی است که دارای مقام عصمت باشد مثل انبیاء و اوصیاء انبیاء و همین جمله دلالت دارد بر اینکه مریم (علیها سلام) دارای مقام عصمت بوده است.

وَ طَهَّرَكِ

طهارت مطلقه عبارت از طهارت ظاهریه از کثافات و نجاسات مثل حیض و نفاس و طهارت باطنیه از معاصی و اخلاق رذیله و طهارت معنویه از توجه به غیر خدا است، و حضرت مریم دارای جمیع این مراتب بود چنانچه آیه شریفه تطهیر در شأن اهل بیت مفادش همین است.

وَ اصْطَفَاكِ عَلَي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

این تکرار نیست بلکه یک امتیاز خاصی است که خصیصه مریم است که احدی از زن های عالم از اول دنیا که حضرت حوا باشد تا انقراض عالم این خصیصه را ندارند که بدون فحل و شوهر بچه بیارند (طیب، ۱۳۷۸، ص ۱۹۳).

با توجه به این آیه روشن است که خداوند مریم را پاک نموده و او را در میان زنان جهان برگزیده است. این همانا عین عصمت است. اصطفاى فاطمه زهرا (سلام الله) بر زنان عالم بر اساس علم و تقوا و سایر فضائل است، زیرا طبق این آیه از قیام در محراب نماز و... سخن به میان آمده و اصطفاى مریم (سلام الله) ناظر به این صفت اوست که بدون همسر صاحب فرزند شد. اطلاق آیه مورد بحث درباره فضیلت نفسی حضرت مریم با روایات وارده در افضلیت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مقید می شود، چون متعلق (اصطفی) ذکر نشده، هم می تواند منظور زنان عصر مریم باشد و هم زنان همه اعصار؛ ولی به قرینه روایات متعلق آن، زنان عصر خودش خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷).

لذا با توجه به برتری فاطمه زهرا (علیها السلام) نسبت به مریم (علیها السلام) که توسط بیانات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در ستایش فاطمه و رتبه ویژه و بالاتر از مریم فرموده شده اند، روشن است که ویژگی عصمت ممکن نیست که در حضرت فاطمه (علیها السلام) وجود نداشته باشد. در روایت امام صادق (علیه السلام) چنین است که فرشتگان الهی نزد فاطمه زهرا (علیها السلام) می آمدند با او حرف می زدند و آیات الهی را بر او می خواندند و همان تعبیراتی که نسبت به مریم (علیها السلام) در قرآن هست به فاطمه زهرا خطاب می کردند و می گفتند: «یا فاطمه إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

۳. عصمت فاطمه (سلام الله علیها) در روایات

دلایل مختلف در احادیث بر عصمت او وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۳-۱. احادیث خشنودی و غضب فاطمه (سلام الله علیها)

عصمت را می توان از دسته ای از روایات که در باره گناه بودن آزار فاطمه (سلام الله علیها) است به دست آورد مضمون این روایات که از لسان پیامبر اکرم (ص) است به شرح ذیل می باشد:

وَ «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، (شیخ صدوق، الإعتقادات، جلد ۱، صفحه ۱۰۵)؛

فاطمه پاره تن من است، هر که او را آزار نماید، مرا آزار نموده».

این حدیث یکی از مشهورترین روایات در میان منابع روایی فریقین است. این حدیث، از روایات متواتر معنوی است، یعنی یک مضمون دارند، ولی با الفاظ و تعابیر گوناگون توسط راویان متعدد بیان شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«يَا عَلِيُّ هَذِهِ بِنْتِي فَمَنْ أَكْرَمَهَا فَقَدْ أَكْرَمَنِي وَ مَنْ أَهَانَهَا فَقَدْ أَهَانَنِي (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۱)؛

ای علی این دختر من است؛ هر کس به او احترام بگذارد، مرا گرامی داشته است و هر که به او اهانت کند به من اهانت کرده است».

بنابراین تکریم فاطمه سلام الله علیها تکریم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حتی توهین فاطمه سلام الله علیها توهین به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. چرا که هر دو یک وجودند در دو بدن و یک حقیقت در دو شاکله.

«مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي، فَاطِمَةُ أَعَزُّ النَّاسِ عَلَيَّ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳)؛

فاطمه پاره تن من است، هر که او را شاد سازد مرا شاد ساخته و هر که او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است. فاطمه عزیزترین فرد برای من است».

«يَا عَلِيُّ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهُ وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَ مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي، (شیخ صدوق، عِللُ الشَّرَائِعِ، ج ۱، ص ۱۸۶)؛

آن کس که در حیات من فاطمه را بیازارد، مانند آن کس است که بعد از مرگم فاطمه را بیازارد و آن کس که فاطمه را بعد از مرگ من بیازارد، مانند آن است که در حیات من آزرده است و هر کس فاطمه را بیازارد، مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد در حقیقت خدا را آزرده است.»

کسی که حب و بغضش در حب و بغض خدا محو شده و دوست ندارد مگر آنچه را خدا دوست دارد و مبعوض ندارد جز آنچه را خدا مبعوض دارد این چنین بشری می شود:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ، (النجم: ۴۳)؛

و هرگز از روی هواهای نفس سخن نمی گوید. آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.

از این مرحله به عصمت خاتمی تعبیر می شود، که غیر از عصمت ابراهیمی و عصمت یونسی است. عصمت یونسی عصمت است؛ اما عصمتی است که (وَدَا النَّوْنِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا) (الانبیاء: ۸۷) دارد. عصمت یونس با اینکه عصمت است اما آن نکته هم در زندگانی او هست که عاقبت باید بگوید: (أَنْ لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ). یوسف دارای عصمت است (لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ) (یوسف: ۲۴) اگر برهان پروردگارش را نمی دید. آن برهان رب، عصمت است اما در این حد است که باز می گوید: (ادْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ) (یوسف: ۴۲) تا بعد بگویند: سال ها در زندان درنگ کن. تسلیم شدن برای حب و بغض خدا به طور مطلق، منحصر به پیغمبر خاتم (صلی الله علیه وآله وسلم) است. رسول خدا به فاطمه فرمودند: (إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُصْبِكَ وَيَرْضَىٰ لِرِضَاكَ) این شخص صاحب مقام عصمت کبری می شود فاطمه دارای مقام عصمت است اما نه عصمت یعقوب (ع)، نه عصمت یوسف (ع)، نه عصمت موسی (ع)، نه عصمت عیسی (ع) بلکه نه عصمت ابراهیم (ع). فاطمه (علیها السلام) به مقام عصمتی رسیده که آن عصمت شأن پیغمبر خاتم (صلی الله علیه وآله وسلم) است (گروه پژوهش موسسه خاتم النبیین (ص)، ۱۳۹۴، ص ۵۷-۵۵).

بنابراین بی تردید آزار و آزرده خاطر کردن فاطمه به هر نحوی معصیت و خلاف شرع است و این دلیل بر آن است که همه رفتارهای او به ویژه مواضع و کلام او الهی بوده و خطا و اشتباه در آن راه ندارد و امضای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را دارد در حقیقت معنایش عصمت حضرت صدیقه است که از مسلمات باور اعتقادی ماست براین اساس شادی او شادی خدا، غضب او غضب خدا، اذیت او اذیت پیامبر و اذیت خداست.

۲-۳. حدیث صدیقه بودن

امام کاظم (علیه السلام) در روایت صحیح فرمود:

«آن فاطمه صدیقه شهیده؛ فاطمه صدیقه و شهیده است.»

صدیقه به معنای آن است که نه زبانش صادق، بلکه سراسر وجودش صادق است. مرحوم علامه مجلسی در شرح اصول کافی (مرآت العقول) می گوید:

معنای این روایت، عصمت حضرت زهرا (س) است. زیرا نمی شود به مقام صدیقین جز با عصمت رسید (خاتمی، ۱۳۹۳، ص ۳۶-۳۷).

مقام معظم رهبری در مقام صدیقه بودن حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید:

«صدیق کسی است که آن چه را می اندیشد و می گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هر چه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ می شود صدیق... این بزرگوار صدیقه کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. اگر بندگی خدا نمی کرد، صدیقه کبری نمی شد. اساس، بندگی خداست.»

همین امر است که باعث می گردد عصمت آن حضرت رقم بخورد. چنانچه مرحوم علامه مجلسی «صدیقه» را به «معصومه» معنا کرده است. بنابراین مقام «صدیقه» بودن حضرت، مقام معنوی بسیار والایی است که در اثر عبودیت و بندگی مطلق باری تعالی نصیبش گردید.»

۴. عوامل مؤثر در عصمت حضرت زهرا (س)

در مورد عصمت حضرت زهرا (علیها السلام) باید توجه داشت که پیدایش این کمال روحانی علاوه بر اراده خداوند معلول چند عامل عمده و اساسی بوده است:

۱-۴. نقش وراثت در عصمت حضرت زهرا (س)

در بیان شرافت خانوادگی حضرت فاطمه (علیها السلام) سخن بسیار است. طبق روایات امام رضا (علیه السلام) و دیگر روایات، خانواده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از چهار خانواده برگزیده است. افزون بر اینکه بدون هیچ تردیدی، خداوند در آیه تطهیر از اهل بیت رسول به صراحت یاد کرده است و در سوره ابراهیم با تعبیر (شجره مبارکه) (ابراهیم: ۲۴) و (بیت)

(نور: ۳۶) به خانواده حضرت فاطمه اشاره کرده است. مادر حضرت زهرا (علیها السلام) حضرت خدیجه (علیها السلام) است در شرافت حضرت خدیجه همین بس که او اولین زنی بود که اسلام آورد و رسالت پیامبر را تصدیق نمود و تا آخرین لحظه در کنار رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) ماند. او تمام اموال خود را وقف پیشبرد اسلام و اهداف پیامبر (ص) نمود (دیانتی پورو نعمتی، ۱۳۸۹، ص ۹۳).

۴-۲. نقش تربیت در عصمت حضرت زهرا (س)

اولین مکان مقدسی که انسان در بدو تولد در آن پرورش روحی و جسمی می یابد، محیط خانه و خانواده است و بی گمان سرنوشت هر انسانی ریشه در روحيات و خصلت های کسانی دارد که در دوران طفولیت و خردسالی نزدیک ترین انسان ها به او بوده اند دامن پدر و مادر محیط مناسبی برای پرورش بذر سعادت و یا شقاوت در وجود فرزندان است. دین اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی بر نظریه ی امکان تغییر صفات موروثی از طریق تربیت تأکید می کند و همواره انسان ها را به کسب فضایل و اخلاق پسندیده ترغیب می نماید بی شک توفیق بی مانندی که حضرت زهرا (س) در تربیت خود یافتند ناشی از معرفت عمیق و صحیح پدر و مادر ایشان از دستوراتی بود که اسلام درباره انسان ارائه کرده است و روش تربیتی و اخلاقی حضرت خدیجه (علیها السلام) و حضرت رسول (صل الله علیه وآله وسلم) بهترین شیوه و تجربه برای ساختن نسلی پاک و سعادت مند به شمار می رود (دیانتی پور، نعمتی، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

۴-۳. نقش مجاهدت های فردی حضرت زهرا (س) در تحصیل عصمت و پاکی

هیچ موجودی نیست مگر اینکه تمام افعال خویش را با اختیار خود انجام می دهد و هر کمالی که از او ظهور می یابد به اختیار خود اوست. عصمت معصومان در نتیجه اراده، حسن انتخاب و تلاش های بی وقفه و فداکاری های بی دریغ آنان در راه خدای رحمان است. می دانیم که حضرت فاطمه (علیها السلام) نه پیامبر بود و نه امام اما آن گوهره ای که باعث شد از چنین جایگاهی در عالم برخوردار باشد گوهره عبودیت بود. عبد بودن به معنای واقعی کلمه؛ یعنی از خود هیچ نداشتن و همگی خدا شدن. وجود مطهر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از هر نوع شرک خالی بود و قلبی که پاک و مطهر از هر نوع آلودگی و دنسی باشد پر از ایمان و یقین است.

به طور خاص در باره ایمان و یقین فاطمه زهرا (علیها السلام) روایات متعددی به دست ما رسیده است. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) در این باره می فرماید:

«يَا سَلْمَانَ ابْنَتِي فَاطِمَةُ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَّارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهَا تَفَرَّغَتْ لِطَاعَةِ اللَّهِ، (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۶)؛

ای سلمان! خداوند متعال، قلب و اعضای دخترم فاطمه را تا سر استخوانهایش سرشار از ایمان نموده است. وی خود را برای عبادت پروردگار فارغ نمود.»

۴-۴. علم و آگاهی خدا

در بخشی از زیارت نامه حضرت فاطمه (علیها السلام) می توان به اهمیت عامل (آگاهی خدا از فعالیت‌های ثمربخش آنان در طول زندگی) بیش از عوامل دیگر پی برد. آنجا که می فرماید:

«يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يُخْلَقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، (فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۴، ص ۱۳۶۹)؛

ای امتحان شده! آنجا که خدا تو را پیش از آفرینش در این جهان آزمود و تو را در میدان امتحان و ابتلا، صابر و بردبار یافت.»
معصومان به دلیل معرفت قلبی و ملکات نورانی که در پی عبادت و بندگی خدا بدست می آورند، همه چیز را با نور حق می بینند و می شنوند از این رو از هرگونه گناه و لغزش و خطا در شنیدن، دیدن، فهمیدن، گفتن و... مصونند. عصمت اعطا شده ی الهی (تکوینیه) در اثر عصمت اکتسابی است؛ یعنی چون آنها به درجه بالای تقوا می رسند خدا عصمت را به آنها اعطا می کند. عصمت اعطا شده الهی فرع بر عصمت کسب شده و اختیاری است (دیانتی پور و نعمتی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰).

۵. سخن گفتن حضرت زهرا (س) با جبرئیل

امام خمینی در یکی از بیانات خود در ایام شهادت حضرت زهرا و در ملاقات با زنان می فرماید:

مسئله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسأله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می آید و امکان دارد بیاید، این یک تناسب لازم دارد بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد پیش او بیاید و انبیاء درجه اول بوده است مثل رسول خدا (صل الله علیه وآله وسلم) و موسی و عیسی و ابراهیم و امثال اینها و مقام جبرئیل که روح اعظم است بین همه کس نبوده است، بعد از این هم بین کسی دیگر نشده است. حتی در باره ائمه (علیهم السلام) من ندیده ام که وارد شده باشد فقط این که برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) است که من دیده ام جبرئیل به طور مکرر در این هفتاد و پنج روز وارد می شده و مسائل آینده ای که بر ذریه او می گذشته است را می گفته و حضرت امیر (ع) هم ثبت می کرده است این از فضائلی است که از مختصات حضرت صدیقه است. (صفری چافی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸-۲۲۹)

نتیجه گیری

عصمت به معنای بازدارندگی از گناه و معصیت، لغزش و اشتباه می باشد. معصومان به دلیل معرفت قلبی و ملکات نورانی که در پی عبادت و بندگی خدا بدست می آورند، همه چیز را با نور حق می بینند و می شنوند. از این رو از هرگونه گناه و لغزش و خطا در شنیدن، دیدن، فهمیدن، گفتن و... مصونند.

عصمت اعطا شده ی الهی (تکوینی) در اثر عصمت اکتسابی است؛ یعنی چون آنها به درجه ی بالای تقوا می رسند خدا عصمت را به آنها اعطا می کند. عصمت اعطا شده ی الهی فرع بر عصمت کسب شده و اختیاری است. وجود مطهر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از هر نوع آلودگی و شرک خالی بود و قلبی که پاک و مطهر از هر نوع آلودگی باشد پر از ایمان و یقین است از مهم ترین آیاتی که بر اساس آن می توان عصمت حضرت زهرا (س) را اثبات کرد آیه تطهیر است که با مراجعه به تفاسیر فهمیده می شود در شان اصحاب کساء نازل شده است و آیه ۴۲ سوره آل عمران؛ که گرچه مخاطب آن حضرت مریم (علیها السلام) است اما با توجه به روایات همان تعبیراتی که در مورد ایشان به کار رفته در مورد صدیقه طاهره نیز به کار می رود. با توجه به روایاتی که خشنودی و غضب فاطمه (سلام الله علیها) را معیار رضایت و غضب خدا می دانند و روایات صدیقه بودن مقام عصمت ایشان ثابت می شود در بیان مرتبه عصمت این بانوی بزرگ همان بس که عصمت آن موجود کاملی که در عالم وجود نظیرش نیست و آن عصمت خاتمیت است. یعنی کسی که حب و بغضش در حب و بغض خدا محو شده و دوست ندارد مگر آنچه را خدا دوست دارد و مبعوض ندارد جز آنچه را خدا مبعوض دارد. از جمله ادله دیگری که بر عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) می توان اقامه کرد: سخن گفتن جبرئیل - آن ملک اعظم - با آن حضرت بعد از رحلت رسول خدا است.

منابع

- قرآن کریم
- انصاری، محمد باقر (۱۳۸۶). اولین میراث مکتوب از حیات حضرت زهرا (س). قم: دلیل ما چ سوم.
- انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل (۱۴۲۸). الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء سلام الله علیها. قم: دلیل ما ۲۵ جلد.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم جلد چهاردهم. قم: اسراء چ دوم.
- حسینی، سید محمد باقر (۱۳۹۱). قطره از دریا نشانی می دهد. تهران: مسیا، چ دوم.

- خاتمی، سید احمد (۱۳۹۳). سیره فاطمی: نگاهی به زندگانی، فضایل و کلام حضرت فاطمه (س). تهران: مسیا، چ اول.
- دیانتی پور، زهرا و نعمتی، دکتر دل آرا (۱۳۸۹). عصمت حضرت زهرا (ع) الاهی یا اکتسابی. فصلنامه علمی ترویجی مباحث بانوان شیعه ۷ (۲۴) ۸۵-۱۱۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۳ق). مفردات الالفاظ القرآن. قم: ذوی القربی، شریعت، چ دوم.
- صفری، حلیمه (۱۳۸۵). الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا (س). قم: میراث ماندگار، چ اول.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام برگرفته از نرم افزار جامع التفسیر.
- عبداللهی عابد، صمد و بیات، جمشیدو احسانی اصل محمد (۱۳۹۳). بررسی متنی سندی روایات عصمت امامان (علیهم السلام). حسنافصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث ۶ (۲۲) ۱۶-۵۴.
- علابی رحمانی، فاطمه (۱۳۸۳). شخصیت حضرت زهرا (س) در کلام وحی. بینات ۱۱ (۴۲) ۱۴۸-۱۵۹ سایت نورمگز
- قزوینی، محمد کاظم (۱۳۸۱). فاطمه ی زهرا (س) از ولادت تا شهادت. مترجم: فریدونی، حسین. تهران: آفاق، چ ششم.
- گروه پژوهش مؤسسه خاتم النبیین (ص) (۱۳۹۴). درسنامه تخصصی معارف فاطمی. قم: مؤسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین (صل الله علیه وآله وسلم) چ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۴۰). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- معارف، مجید (۱۳۸۷). سیمای حضرت زهرا (س) در روایات اهل تسنن. مطالعات راهبردی زنان ۱۰ (۳۹) ۳۵-۶۷ سایت نورمگز.
- مکارم شیرازی، ناصر، باهمکاری جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). تفسیر نمونه. جلد هفدهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه چ ۲۶.
- <http://hadith.net/post/52585>
- <https://hawzah.net/fa/Article/View/98892>
- <https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/385190>
- <https://btid.org/fa/news/86790>